

ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی (دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسویه)^۱

مهدی موحدی بکنظر^۲

محمدجواد رضائی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱۹

چکیده

هر چند بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، فضای لازم برای همگرایی نظام مالیاتی کشور با نظام مبتنی بر وجوهات شرعی و به نوعی پیاده سازی نظام مالیاتی متناسب با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پیش آمد اما بنا به دلایلی آن طور که باید، دغدغه فقها و محققان اقتصاد اسلامی قرار نگرفت. این عدم توجه موجب شده است تا مؤدیان مسلمان مقید به پرداخت وجوهات شرعی با پرداختی‌های تکلیفی دوسویه (پرداخت مالیات از یک سو و پرداخت وجوهات شرعی از سوی دیگر) مواجه باشند. به نظر می‌رسد این مشکل ناشی از نوع نگاه موازی و جدا از هم به دو نظام مالیاتی است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و اجتهادی، به نقد نگاه رایج از ارتباط دو نظام مالی (نظام مالی مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی کشور) پرداخته و با تبیین نگاهی واحد به وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در شرایط امروز، وجوهات شرعی را به عنوان مالیاتی در کنار مالیات‌های حکومتی می‌داند. یکی از دلالت‌های این نوع نگاه جدید به نظام مالیاتی، حل مشکل پرداخت‌های دوسویه خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: خمس، زکات، مالیات‌های حکومتی، الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، پرداخت‌های

دوسویه

۱- از مساعدت‌ها و راهنمایی‌های آقایان محمد تقی‌نژاد عمران، علی‌اکبر سمیعی و علی نصیری اقدام در تدوین این مقاله تشکر می‌نمایم.

۲- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق (ع) و عضو انجمن اقتصاد اسلامی ایران (نویسنده مسئول)
Movahedi@isu.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق (ع) و عضو انجمن اقتصاد اسلامی ایران J.rezaei@isu.ac.ir

۱- مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق حاکمیت نظام اسلامی، همراه با تغییر نگاه به اصلاح امور حکومتی، این انتظار به حق به وجود آمد که اهداف و مبانی اسلامی باید در تمام زمینه‌ها به خصوص در نظام سازی اقتصادی تحقق یابند. یکی از مشخصه‌های این جریان اصلاحی و به عبارت بهتر، نظام سازی در بستر الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی، رسیدن به نظامی برخوردار از مبانی و جهت‌گیری‌های اسلامی و در عین حال مطابق با ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور است. این جریان اصلاحی در ترمیم برخی امور همچون بانکداری به دلایلی خاص با سرعت و شتاب بیشتری انجام گرفت. اما علی- رغم سابقه بالای پرداختی‌های عبادی، تکلیفی و حکومتی همچون خمس و زکات در تاریخ اسلام، به نظر می‌رسد مجموعه دلایلی مانع از این شد تا حساسیتی که برای اصلاح امور بانکی پس از انقلاب پیش آمد، در مالیات رخ نداده و هیچ نوع مالیاتی در این سال‌ها قطع نظر از نرخ، شکل و پایه آن مورد جرح و تعدیل قرار نگیرد.

وجوهات شرعی و چگونگی پرداخت و دریافت آن به عنوان یکی از امور مربوط به امام، حاکم و فقیه یکی از مباحثی است که استخراج و استنباط و توافق در احکام مربوط به آن به عنوان احکامی در باب فقه حکومتی و سیاسی مستلزم کثرت، شفافیت و تمایز هر چه بیشتر منصوصات این حوزه است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۰۳). از این رو قواعد نسبتاً کلی و تشتت نسبتاً بالای آراء و فتاوی در حوزه اختیارات حاکم اسلامی و وظایف وی ممکن است بیانگر رشد ضعیف این حرکت اجتهادی و فقهی در زمینه فقه حکومتی بوده و انعطاف پذیری آن را در قبال تغییرات کم کند؛ و شاید از این روست که عدم مغایرت ظاهری نظام مالیاتی کشور با این موازین فقهی کلی، غیرشفاف و کمتر رشد یافته، باعث شده تا هیچ حساسیتی برای اصلاح، جهت‌دهی و همراه‌سازی نظام مالیاتی با مؤلفه‌های اصلی اقتصاد اسلامی در این نظام از سوی هیچ گروهی ابراز نشود؛ و به همین دلیل در سالیان پس از انقلاب اسلامی نیز برای اصلاح نظام مالیاتی کشور و اجرای مالیات‌های اسلامی هیچ برنامه، طرح و لایحه‌ای ضروری شناخته نشده و پیشنهاد نیز نشود.

امروزه وضع مالیات‌های حکومتی در بهترین حالت، بر اساس تجربه کشورهای موفق در این زمینه و عملکرد مالیات‌های گذشته کشور صورت می‌گیرد و به هماهنگی و سازگاری آن با اهداف و عملکرد مالیات‌های صدر اسلام- که به نظر می‌رسد بهترین الگو برای نظام مالیاتی حکومت اسلامی باشد- توجه نمی‌شود. در این مقاله بر آن نیستیم تا به مؤلفه‌های اصلی نظام مالیاتی اسلام و یا اولویت این

نظام نسبت به نظام متعارف مالیاتی بپردازیم بلکه چنین اولییتی را جهت تحصیل نتایج این مقاله مفروض می‌گیریم.

آنچه در این مقاله مورد توجه قرار خواهد گرفت، نقد رویکرد رایج به دو نظام مالیاتی است؛ در واقع هدف اولیه مقاله نقد نگاه موازی به نظام مالی مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی متعارف است. یکی از معضلات و مشکلات موجود در نظام مالیات کنونی که نتیجه اتخاذ این نگاه موازی به نظام مالیاتی است، برخورد دوسویه با افراد متدین و مذهبی است. برای مثال فردی مذهبی که مشمول مالیات بر درآمد است فارغ از پرداخت وجوهات شرعی باید مالیات خود را نیز بپردازد. در حالی که فرد غیر مقید به پرداخت وجوهات شرعی، تنها مالیات را پرداخت کرده و متحمل بار مالی زیادی نمی‌شود. درحالی‌که انتظار می‌رود در یک نظام مالیاتی مبتنی بر اصول اسلامی، افراد متدین و مذهبی کمترین فشار مالی را متحمل شوند. از این رو در این مقاله بر آنیم تا با تبیین نگاهی مستند و مستدل در مقابل این نگاه موازی به حل مشکل پرداخت دوسویه افراد در این نظام بپردازیم.

مقاله پیش رو در هفت بخش سامان یافته است: در بخش اول بعد از بیان مقدمه، از ضرورت اتخاذ نظام مالیاتی ایده‌آل که نحوه ارتباط دو نظام مالیاتی را در بستر الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی فراهم می‌آورد سخن خواهیم گفت، اما لازمه رسیدن به چنین نظامی، شناخت نگاه رایج به نظام مالیاتی و ربط و نسبت آن با نظام مالی اسلام است (بخش دوم). شناخت این رابطه، به تبیین مشکلات این دو نظام موازی به خصوص مشکل پرداختی‌های دوسویه نیز کمک خواهد کرد. اما قبل از رسیدن به نظام واحد مالیاتی مطلوب، لازم است در بخش سوم مروری بر پرداخت وجوهات شرعی در حکومت اسلامی داشته باشیم. در بخش چهارم به ذکر محدودیت‌های چهارگانه که مانع از ایجاد نظام واحد مالیاتی می‌شوند خواهیم پرداخت و در بخش پنجم بعد از پذیرفتن اجرایی نبودن نظام واحد مالیاتی در شرایط امروز، تغییر رویکرد را اولین گام در نظام سازی معرفی خواهیم کرد. در این بخش خواهیم دید که این تغییر رویکرد، مشکل پرداخت‌های دو سویه را حل می‌کند. در بخش ششم هزینه قابل قبول بودن خمس را برای حل این مشکل، رد کرده و بعد از ارائه راه‌حل، به روش محاسبه خمس و مالیات و همچنین مزایای حاصل از حل این مشکل اشاره خواهیم کرد و در نهایت در بخش هفتم به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مقاله خواهیم پرداخت.

۲- الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و نظام مالیاتی

پیاده کردن نظام مالیاتی متناسب با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مستلزم به‌کارگیری نظامی است که اصول و مبانی خود را با توجه خاص به شرایط تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایران، از اسلام گرفته باشد (علاسوند، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱). نظام مالیاتی کشور علی‌رغم استفاده از تجارب مالیاتی کشورهای دیگر و همچنین تجارب گذشته خود به زعم اکثر کارشناسان این حوزه از مشکلات بسیاری در رنج است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد مالیات‌هایی که با شرایط خاص و مصارف خاص در نصوص اسلامی آمده حداقل در مقام نظر می‌تواند جایگزین خوبی برای این مالیات‌ها باشد. اما در عمل مشکلات فقهی، اجرایی، ساختاری و تقنینی که در ادامه از آن‌ها بحث خواهیم کرد مانع از این است تا حداقل نظام متعارف، الگوی خود را با نظام مالیاتی مبتنی بر وجوهات شرعی همراه سازد.

بنابراین برای پیاده‌سازی کامل نظام مالیاتی مطلوب در الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی لازم است تمام مشکلات مذکور حل گردد اما این امر به آن معنی نیست که تا حل کامل این مشکلات باید صبر کرد بلکه باید به طراحی و جایگذاری نظام مالیاتی اولیه اما نزدیک به ایده‌آل و خود پیش برنده ای که به تدریج و به مرور زمان خود را کامل کرده و مشکلات خود را حل کند، پرداخت. این نظام می‌تواند با تغییر رویکرد، موجبات اصلاحات بعدی را با ایجاد فضایی جدید در راستای رسیدن به یک نظام مالیاتی ایده‌آل فراهم آورد. قبل از بررسی جایگزینی چنین نظام مطلوبی باید به تبیین نوع نگاه رایج به نظام مالیاتی و نظام مالی مبتنی بر وجوهات شرعی پرداخته و ربط و نسبت آن‌ها را در این نگاه مشخص کنیم.

۳- نوع نگاه رایج به مالیات و وجوهات شرعی

شناسایی نوع نگاه رایج به وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در شرایط موجود، علاوه بر نمایش اشکالات این نوع نگاه همچون مشکل پرداختی‌های دو سویه، به بررسی بهتر فتاوی صادر شده فقها پیرامون وجوب پرداخت هر یک از این دو پرداختی کمک می‌کند. از این رو در این زیر بخش بعد از بررسی این دو نظام و ربط آن‌ها به تبیین مشکل پرداختی‌های دو سویه خواهیم پرداخت.

۳-۱- نظام مالیات‌های حکومتی

هر دولتی در قبال مردم کشور خود مسئول بوده و وظایفی چون تدارک کالاهای عمومی اعم از آموزش، بهداشت، امنیت و غیره را عهده‌دار است و برای پوشش هزینه‌های خود نیازمند منابع درآمدی است. مالیات نیز یکی از مهم‌ترین اقلام درآمدی دولت است. نظام مالیاتی کشور نیز همچون نظام

مالیاتی دیگر کشورهای جهان برای پوشش بخشی از مخارج خود مجبور است طبق الگوی تعیین شده در قانون بر حسب نرخ، شکل و پایه خاص مالیاتی از مردم مالیات مطالبه نماید. مبلغ ستانده شده در قالب مالیات ممکن است صرف مخارج انجام شده در سال یا سالیان گذشته، مخارج در دست اقدام و یا مخارج آینده دولت گردد. از این رو مبلغ مالیات جمع‌آوری شده از هر فرد جامعه، سهم وی از تأمین هزینه کالا و خدمات عمومی تدارک شده توسط دولت است. بنابراین اگر شخصی از پرداخت مالیات ممانعت کرده و از دادن آن سرباز زند، در واقع بدون پرداخت هزینه کالاهای عمومی، از آن‌ها استفاده کرده است. از این روست که اکثر علماء و فقها در صورت مطالبه مالیات، پرداخت آن از سوی مردم را امری واجب دانسته و فرار از مالیات را به هر بهانه‌ای حرام می‌دانند (یوسفی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۴۳۷ و ۴۳۸). بنابراین پرداخت مالیات‌های حکومتی شرعاً و قانوناً الزامی است.

۳-۲- نظام وجوهات شرعی

در شرایط موجود، مؤدی مسلمان ایرانی به حکم شرع با پرداختی‌های لازم الاداء دیگری چون خمس و زکات روبروست. پرداخت خمس و زکات از زمان تشریح آن‌ها در زمان حکومت پیامبر (ص) تا به امروز به جز برهه‌هایی کوتاه در اباحه و تحلیل^۱ آن‌ها توسط ائمه (ع)، واجب بوده است. خمس و زکات بر خلاف مالیات‌های حکومتی که وضع آن‌ها عموماً از قاعده خاصی تبعیت نمی‌کنند، شرایط و منابع و مصارف خاص خود را دارد. اما به نظر می‌رسد بنا به دلایلی، قانون جمهوری اسلامی ایران در مورد پرداخت یا عدم پرداخت این وجوهات سکوت کرده است و می‌توان گفت پرداخت این وجوهات الزام قانونی ندارد. اما طبق فتوای علماء و مراجع معاصر، پرداخت خمس و زکات شرعاً الزامی و واجب است.

۳-۳- نحوه ارتباط این دو نظام مالی

در مورد وضع مالیات‌های حکومتی و جواز آن سه نظر عمده در میان فقهای معاصر وجود دارد:
(الف) عده‌ای از فقها، پرداخت مالیات را بخشی از مؤونه و تأمین برخی هزینه‌های زندگی که دولت آن‌ها را تدارک دیده، می‌دانند. از این رو نگاه آن‌ها به وضع مالیات‌های حکومتی، وضع حکمی اولیه^۲

۱- حلال شدن خمس

۲- احکام اولیه احکامی است که متعلق به فعل مکلف یا موضوع خارجی باشد با همان عنوان اولیه که از هر قید و حالتی عاری است، مثل «حرمت» برای خوردن شراب. اما احکام ثانوی حکمی است متعلق به فعل مکلف در حالتی که مقید به قید اضطرار و اکراه، ... شود، مانند حکم خوردن شراب و یا خوردن گوشت خوک در حالت اضطرار، که «حلیت» است (مشکینی، ۱۳۴۸، ص ۱۲۱).

در کنار وضع وجوهات شرعی است (جمعی از مؤلفان، ج ۱۰، ص ۲۲). طبق این نظر، پرداخت مالیات به مثابه پرداخت بخشی از هزینه زندگی واجب است و عدم پرداخت مالیات به مثابه استفاده از کالاهای عمومی بدون پرداخت قیمت آن بوده و فرار به هر شکلی در آن فعل حرام محسوب می‌شود.

(ب) اکثر فقهای معاصر، مالیات حکومتی را حکم ثانویه تلقی کرده و اصلاً جواز آن‌ها را منوط به حکم حاکم شرع می‌دانند (یوسفی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۴۳۵ و ۴۳۶).

(ج) برخی از فقهای دسته (ب) در حالی که مالیات حکومتی را حکم ثانویه تلقی کرده و جواز آن‌ها را منوط به حکم حاکم شرع می‌دانند اما نوع تحلیل دسته (الف) در توجیه مالیات را بر می‌گزینند (در واقع در تحلیل و بررسی خود مالیات را حکم ثانویه ندانسته بلکه آن را حکم اولیه می‌دانند) چرا که از یک سو جواز اخذ مالیات را منوط به نظر حاکم شرع دانسته (به عنوان حکم ثانویه) و از سوی دیگر تحلیل خود را بر اساس اولیه بودن حکم مالیات ارائه می‌دهند.

همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، نگاهی که در شرایط امروز به پرداختی‌های واجب همچون وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی وجود دارد نگاهی موازی است (دسته الف) و دسته (ج)؛ از یک سو پرداخت وجوهات شرعی به واسطه شرع، واجب است و باید از طریق مرجعیت صرف هزینه‌های خاصی که رضایت امام معصوم (عج) را احراز می‌کند شود و از سوی دیگر مردم مؤظف به پرداخت مالیات‌های حکومتی هستند که جهت ادامه حیات دولت صرف مخارج عام دولت می‌شود. از آن جایی که این دو نظام با توجه به شرایط اخذ مختص به خود و مصارف خاص و مجزا، از هم جدا بوده و هیچ ربطی به هم ندارند، در نتیجه طبق فتوای همه مراجع معاصر، پرداخت هر کدام از این وجوهات، کفایت از پرداخت دیگری نمی‌کند.

۳-۴- مشکل پرداخت‌های دوسویه

طبق فتوای همه مراجع، با توجه به شرایط موجود، پرداخت وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی هر دو واجب است (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۴۳۷ و ۴۳۸). به طور کلی مشکلات ناشی از این پرداخت‌های دوسویه را می‌توان در یکی از این سه سطح مشاهده کرد:

- افرادی که اولویت و تقدم رتبی را بنا به حکم تعالیم اسلامی به پرداخت وجوهات شرعی داده و با پرداخت آن‌ها، فرار از پرداخت مالیات‌های حکومتی را به جهت فقدان نصوص و متونی که ظاهراً آن‌ها را واجب بدانند، برای خود موجه می‌دانند. بنابراین یکی از نتایج حاصل از این مشکل، نحوه

مواجهه سازمان امور مالیاتی با این افراد در جلوگیری از فرار مالیاتی است. هر چند این سطح از مشکل آنچنان چشمگیر و قابل تصور نیست.

• افراد مذهبی و متدین و مقید به فتوای مراجع تقلید، خود را به پرداخت هر دو نوع آن‌ها مؤظف دانسته و متحمل فشار مالی و اقتصادی بیشتری می‌شوند.

• افرادی که برای فرار از بار مالی و اقتصادی حاصل از این پرداخت‌های دوسویه ترجیح می‌دهند به جای تحمل جریمه‌ها و یافتن راه‌های فرار از مالیات، راه به ظاهر ساده‌تر یعنی امساک از پرداخت وجوهات شرعی را برگزینند. بنابراین یکی از نتایج حاصل از این مشکل عدم نیل به اهداف و غایات حاصل از وجوب وجوهات شرعی است.

اکثر مراجع تقلید در پاسخ منفی به استفتاء از کفایت پرداخت هر یک از وجوهات شرعی و مالیات حکومتی از پرداخت دیگری، بدون ذکر مشکلات امروز در اتحاد دو نظام مالیاتی، معمولاً به دو شکل پاسخ گفته‌اند که هر دو پاسخ را می‌توان منبعث از همین نگاه موازی دانست:

۱. مالیات همچون سایر هزینه‌های زندگی بخشی از مؤونه فرد محسوب شده و خمس، از درآمد باقیمانده از مؤونه کسر می‌شود. در نتیجه مالیات و خمس به هم ربط ندارند.

۲. خمس و مالیات هر یک مصرف خاص خود را دارند. در نتیجه مالیات و خمس به هم ربط ندارند. قبل از نقد این نوع نگاه به پرداختی‌های واجب و ارائه جایگزینی برای آن، لازم است تا مروری بر نحوه مواجهه با خمس و زکات در دوره پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و همچنین حکومت اسلامی در دوران غیبت داشته باشیم.

۴- نحوه مواجهه با خمس و زکات

از ابتدای تشریح خمس و زکات، تا عصر حاضر، شکل عمل به این دو امر واجب، چه در پرداخت و چه در مصرف با توجه به ضرورت‌ها، نیازها و محدودیت‌های موجود در جوامع اسلامی- شیعی، متفاوت بوده است. از این رو لازم می‌بینیم قبل از هر بحثی، مروری بر دو دوره مهم از منظر فقه حکومتی داشته و نحوه مواجهه با وجوهات شرعی در این دوره‌ها را بیان کنیم.

۴-۱- خمس و زکات در دوران حاکمیت معصوم (ع)

این دوره، دوره حاکمیت پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) بر مردم است. برابر شواهد مسلم تاریخی از سیره این دو بزرگوار، مسؤولیت گردآوری و مصرف زکات در این دوره بر عهده حاکم

اسلامی است. در این دوره، پیامبر (ص) از مردم زکات می‌گیرد (توبه، ۱۰۳). به این منظور، افرادی را برای جمع‌آوری زکات، گمارده و سهمی از زکات را برای آن‌ها در نظر می‌گیرد (توبه، ۶۰) و خود آن حضرت بنا به مصلحت جامعه و تشخیص خویش به هزینه و مصرف زکات در مصارف خاص زکات می‌پردازد. هرچند مدارکی از گرفتن خمس توسط پیامبر (ص) آن هم مواردی غیر از غنائم جنگی وجود دارد^۱، اما قدر مسلم مسؤلیت دریافت خمس غنائم^۲ و مصرف آن، بر عهده پیامبر (ص) بوده است (انفال ۴۱) و همین مورد برای اثبات دریافت خمس توسط پیامبر (ص) کفایت می‌کند.

روش حضرت علی (ع) در جذب درآمد برای حکومت نیز همانند روش پیامبر اکرم (ص) است. آن حضرت، به فرمانداران خود، هم دستور گردآوری زکات را داده و هم چگونگی مصرف آن را و هم آداب برخورد با زکات دهندگان را یادآور می‌شود (نهج البلاغه، نامه ۲۶). اما بنا به گسترش جامعه اسلامی در دوره حکومت ایشان، حضرت علاوه بر دریافت زکات در کنار دیگر منابع درآمدی حکومت همچون خراج و جزیه به وضع مالیات‌های حکومتی می‌پردازد^۳ (جوادی آملی، ۱۳۷۹). از این رو قاضی نعمان، پس از آن که بر سیره این دو بزرگوار در جمع‌آوری وجوه شرعی ادعای اجماع می‌کند، در نکوهش وضع موجود می‌نویسد: «در صدر اسلام، هیچ کس زکات مال خود را آن گونه که امروز، مردم انجام می‌دهند، خود بین تهی‌دستان پخش نمی‌کرد [بلکه آن را به حاکم شرع می‌رساند]^۴» (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۶۲)

۴-۲- حکومت اسلامی در دوران غیبت و نظام واحد مالیاتی

در دوره‌ای که امام معصوم (عج) از دیدگان نهان است و فقیه جامع‌الشرایط در رأس نظام قرار می‌گیرد باید دید که وظیفه ما نسبت به وجوه شرعی چیست؟ آیا باید به روش پیامبر و علی (ع) در دوره حاکمیت تمسک جست یا خیر؟

۱- برخی از علماء عموماتی را که احتمال انطباق آن بر خمس ارباح مکاسب است را به عنوان ادله تشریح خمس ارباح مکاسب در زمان پیامبر (ص) مطرح می‌کنند (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۴۲) برای مثال روایت ابن طاووس: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَا بَنِي دَرٍّ وَسَلْمَانَ وَالْمُقَدَّادِ... وَ إِخْرَاجَ الْخُمْسِ - مِنْ كُلِّ مَا يَمْلِكُهُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ - حَتَّى يَرْفَعَهُ «۳» إِلَى وِلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَمِيرِهِمْ... (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۵۵۳).

۲- از نظر فقهای شیعه، فرقی بین خمس غنائم و خمس دیگر منافع، وجود ندارد (درخشان، ۱۳۷۷، ص ۲۱).

۳- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ عَنْهُمَا جَمِيعاً (ع) قَالَ وَصَّحَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ص) عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ الرَّاعِيَةَ فِي كُلِّ فَرَسٍ فِي كُلِّ عَامٍ دِينَارَيْنِ وَ جَعَلَ عَلِيٌّ الْبَرَادِينَ دِينَاراً (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۳۰).

۴- و أن أحدا لم يكن يفرق زكاة ماله على المساكين كما يفعل اليوم عامة الناس.

اما پس از قبول برپایی حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه و اینکه حکومت اسلامی سرپرست بیت‌المال اسلامی است و پس از اعتقاد یقینی به آن که خمس و زکات از درآمدهای بیت‌المال اسلامی است، دیگر طرح نظریه مسئولیت مراجع دینی بر این حقوق شرعی، غیر موجه می‌باشد؛ به ویژه هنگامی که به این نظریه توجه شود که ولایت در حکومت اسلامی متعدد نیست و ضرورت دارد مرجعیت ولایی از مرجعیت فتوایی تفکیک گردد (معرفت، ۱۳۷۹).

در واقع با پذیرش ولایت فقیه در عصر غیبت، تردیدی نیست که فقیه حاکم، همان اختیاراتی را دارد که پیامبر (ص) در ایام حکومت داشت؛ یعنی همان گونه که در عصر حاکمیت پیامبر (ص) و علی (ع)، اختیار زکات و خمس، هم در جمع‌آوری و هم در هزینه کردن به عهده آن دو بزرگوار به عنوان حاکم و امام مسلمانان بود، اکنون بر فقیه حاکم است تا به عنوان حکم اولیه خمس و زکات را از مردم گرفته و در راه مصالح مسلمانان، برابر تشخیص خود، مصرف و هزینه کند. از این رو امام خمینی (ره) بر اساس این دیدگاه در کتاب ولایت فقیه می‌نویسد:

«مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر و [روحانی] نیست؛ بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. مثلاً «خمس» یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت‌المال می‌ریزد، و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می‌دهد. ... اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیات‌هایی که داریم، یعنی خمس و زکات و ... اداره شود. تعیین بودجه‌ای به این هنگفتی دلالت دارد بر این که منظور تشکیل حکومت و اداره کشور است. برای عمده‌حوایج مردم و انجام خدمات عمومی، اعم از بهداشتی و فرهنگی و دفاعی و عمرانی، قرار داده شده است» (خمینی، ۱۴۲۳ ه.ق، ص ۳۲ و ۳۳).

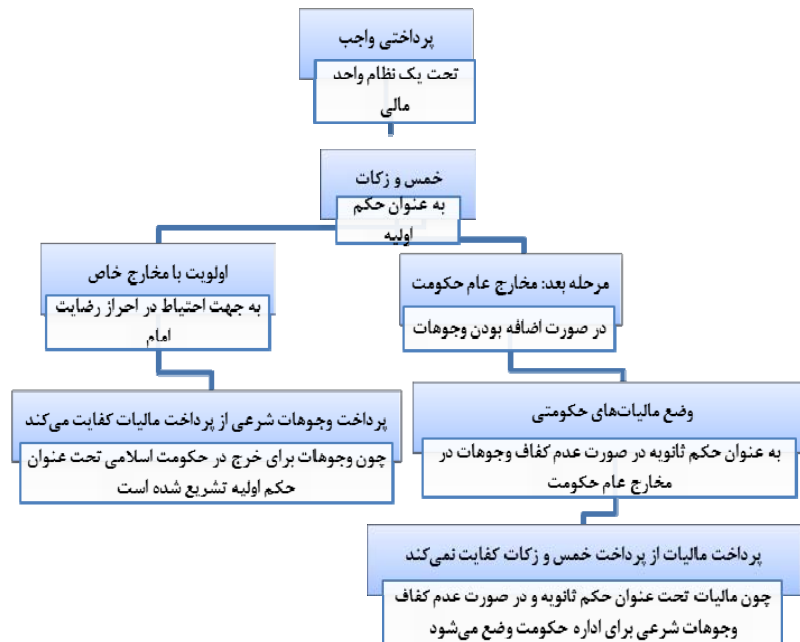
و یا در سخنرانی خود در مورد نظام مالیاتی اسلام و تحقق آن در جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۵۸ در جمع وزیر و اعضای وزارت اقتصاد و دارایی چنین می‌فرماید:

«و اگر یک روزی هم ان شاء الله توانستیم و توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم، ... و هیچ احتیاجی به چیز دیگری زاید [مثل مالیات] نداشته باشیم. ... امید است که بشود.» (خمینی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۳۴ و ۲۳۵).

اما نکته قابل توجه، اشاره امام به این الگو قبل از انقلاب و ابتدای پیروزی انقلاب و به نوعی قبل از بروز و ظهور محدودیت‌ها و مشکلات فقهی، اجرائی، تقنینی و ساختاری (جدول ۱) پیرامون دریافت

وجوهات شرعی به عنوان مالیات‌های اسلامی است، هر چند در سخنرانی سال ۱۳۵۸ به لزوم حرکت نظام اقتصادی کشور به اتخاذ الگوی اسلامی در نظام مالیاتی کشور تأکید دارند.

شکل (۱) - نظام پرداختی‌های واجب در قالب یک نظام مالیاتی واحد



اگر در شرایط فعلی با رفع محدودیت‌های مذکور در کنار الزام شرعی آن، امکان الزام قانونی خمس و زکات به عنوان بخشی از درآمد حکومت اسلامی در شرایط امروز تحقق پیدا کند می‌توان پرداخت این دو وجه شرعی قانونی شده را به عنوان حکم اولیه پذیرفت. حال اگر کسی خمس و زکات خود را پرداخت، گویی بخشی از حق دیگران از اموال خود را پرداخته است (معارج، ۲۴). اگر این وجوهات بنا به مقدار و محل مصرف و بنا به نظر و مصلحت ولی فقیه کافی نباشد، می‌توان از مالیات‌های حکومتی به عنوان حکمی ثانویه بهره برد (شکل ۱). بنا به سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع)، به نظر می‌رسد مخارج حکومت ایشان نیز تابعی از درآمد حکومت آن‌ها بوده است. در زمان حکومت علی (ع) علی‌رغم استفاده از وجوهات شرعی و خراج، اگر به واسطه وجود مخارج اضافی چون جنگ، این درآمدها کفایت نمی‌کرد، امام بر اموالی چون اسب نیز مالیات وضع می‌کرد (کلینی، ۵۱۴۰۷، ج ۳،

ص ۵۳۰). اما کسی که مشمول خمس و زکات بوده اما صرفاً مالیات خود را پرداخت نموده به جهت عدم پرداخت خمس و زکات خود چه از لحاظ شرعی و چه از لحاظ قانونی بری‌الذمه نشده است. از این رو پرداخت مالیات کفایت از پرداخت خمس و زکات نمی‌کند اما پرداخت هر یک از این وجوهات در این نظام کفایت از مالیات می‌نماید.

۵- نظام واحد مالیاتی و محدودیت‌های آن

وحدت این دو نظام مالیاتی، با توجه به مشکلات و محدودیت‌های فهرست شده در جدول (۱)، حداقل در شرایط امروز و قبل از حل مشکلات، عملاً اجرایی نخواهد بود. در اینجا مجالی برای بررسی همه این مشکلات نیست. از این رو در این قسمت به بررسی برخی از مهم‌ترین آن‌ها که مانعی بر سر حل مشکل پرداخت‌های دوسویه است خواهیم پرداخت.

بسیاری از فقهای معاصر، مهم‌ترین دلیل در عدم موافقت خود با یکپارچه‌سازی دو نظام مالیاتی در حال حاضر را عدم دقت در تفکیک موارد مصرف این دو پرداختی می‌دانند (مؤمن، ۱۳۷۹). به عبارت دیگر از آن جایی که مصرف خمس و زکات در دوران غیبت باید مورد رضایت امام (عج) باشد، نمی‌توان از خمس و زکات با توجه به اولویت و ترجیح مصرف آن‌ها، در مخارج عام حکومت همچون هدایا به حاکمان کشورهای دیگر که چه بسا مورد رضایت امام (عج) نیست مصرف کرد.

یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل مخالفت علماء و فقها با یکی شدن خزانه در شرایط فعلی، مشکل استقلال حوزه‌های علمیه است (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۷؛ کیاءالحسینی، ۱۳۹۰). معمولاً وجوهات شرعی جمع‌آوری شده از طریق سازوکار سنتی، از طریق مراجع تقلید صرف هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری حوزه‌های علمیه می‌شود. هزینه‌هایی مثل تأسیس، ساخت و تعمیر حوزه‌های علمیه، مساجد، بناها و نهادهای دینی، تأمین کالاهای سرمایه‌ای برای آن، تأمین هزینه‌های استخدام نیروی کار برای آن، هزینه تبلیغ دین و مذهب تشیع شامل اعزام مبلغ چاپ قرآن و کتب و جزوات دینی اهم آن می‌باشد (کیاءالحسینی، ۱۳۹۰). حال اگر دولت متکفل تخصیص درآمدهای جمع‌آوری شده به مرجعیت باشد، دیگر مرجعیت به واسطه وابستگی مالی به دولت، نمی‌تواند استقلال خود را در مقابل انحرافات احتمالی این دولت حفظ کند.

جدول (۱) - محدودیت‌های فقهی، اجرایی، تقنینی و ساختاری نظام مطلوب مالیاتی

محدودیت‌ها	وجوهات شرعی به عنوان حکم اولیه و مالیات‌های حکومتی به عنوان حکم ثانویه
فقهی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم اتفاق فقهای شیعه در وجوب پرداخت وجوهات شرعی به ولی فقیه به نحو فتوا* • عدم اتفاق فقهای شیعه در یک‌کاسه کردن درآمد حاصل از وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی* • عدم اتفاق فقهای شیعه در انطباق موارد مصرف وجوهات شرعی با موارد مصرف مالیات* • عدم اتفاق فقهای شیعه در اخذ اجباری یا غیراجباری وجوهات شرعی
اجرایی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم وجود سازوکارهای اجرایی مطابق با فقه امامیه در اخذ وجوهات شرعی خوداظهاری • عدم وجود سازوکارهای اجرایی مطابق با فقه امامیه در اخذ وجوهات شرعی عبادی • عدم وجود سازوکارهای اجرایی در مصرف خمس و زکات در مصارف عام دولتی و یا حداقل تفکیک وجوهات شرعی و مالیات در مصرف
تقنینی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم همگرایی قوانین مالیاتی فعلی با جذب وجوهات شرعی* • عدم همگرایی لازم در وظایف دولت مدرن امروزی با وظایف یک دولت اسلامی جهت مصرف بجای وجوهات شرعی*
ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> • فی نفسه موضوعیت داشتن رابطه مردم، وکلاء و مرجعیت (یعنی حفظ نهادهای سنتی متکفل جمع‌آوری) • استقلال حوزه‌های علمیه • تداخل مصرف وجوهات شرعی برای مراجع و مقلدان غیر داخلی*
<p>ساختار کلی این جدول برگرفته از مقاله (کیاءالحسینی، ۱۳۹۰) است. البته مطالبی که با (*) مشخص شده‌اند حاصل مطالعات نویسندگان است.</p>	

۶- وحدت نظام مالیاتی

رسیدن یکباره و دفعی به نظام مالیاتی ایده‌آل با توجه به مشکلات مطرح در وحدت دو نظام مالیاتی، کاری تقریباً غیر ممکن است. از این رو این حرکت را باید با اصلاحات تدریجی و گام به گام و در عین حال با اصلاحات اساسی که بیانگر تغییر رویکرد باشد شروع کرد.

گام اول از پیاده‌سازی نظام واحد مالیاتی، همان تغییر نگاه به نظام مالیاتی خواهد بود. از آن جایی که قانون جمهوری اسلامی ایران بنا به دلایل مذکور و علی‌رغم وجوب پرداخت وجوهات شرعی، در مورد پرداخت یا عدم پرداخت آن سکوت کرده و الزام قانونی در پرداخت آن‌ها ندارد، اولین گام در تغییر

این رویکرد را می‌توان الحاق الزام قانونی هر فرد مسلمان به پرداخت وجوهات شرعی در قانون دانست (به عنوان حکم اولیه). طبق این قانون پرداخت وجوهات شرعی هم شرعاً و هم قانوناً واجب خواهد شد. اما این قانون تا قبل از حل محدودیت‌های فقهی و طراحی سازوکارهای اجرائی به معنی دریافت اجباری وجوهات شرعی به جای مالیات نیست بلکه توجه دادن به این مسئله است که اگر شخصی خمس مال باقیمانده از مؤونه خود را نپرداخت، به عنوان فردی مجرم تلقی شود. در واقع خلاف حالت قبل که پرداخت این وجوهات علی‌رغم الزام شرعی، الزام قانونی نداشت. به عبارت دیگر مقصود از این الحاق قانونی، تکیه بر حکم اولیه بودن وجوهات شرعی است. هر چند قانون به واسطه مشکلات چهارگانه مذکور همچون عبادی بودن پرداخت وجوهات، پیرامون چگونگی مطالبه این وجوهات سکوت خواهد کرد اما اعمال این تغییر ابتدایی، علاوه بر تأیید نگاه جدید، راه را برای پژوهشگرانی که پیرامون حل این مشکلات و نیل به وضع مطلوب در تلاشند باز می‌گذارد.

با توجه به لزوم یکپارچگی دو نظام مالیاتی و در عین حال تأکید علماء و فقهای معاصر در تفکیک وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی و عدم ترکیب آن‌ها در خزانه در جهت استفاده از آن‌ها در مصارف خاص خود، می‌توان راهی را برای اجرای آن بدون مواجهه با مشکلات پیشرو پیدا کرد.

۷- حل مشکل پرداخت‌های دوسویه

وارد کردن وجوهات شرعی^۱ به‌ویژه خمس به نظام مالیاتی کشور یکی از دغدغه‌های اصلی کارشناسان این حوزه بوده است. کارشناسان به دلیل مشکلات مذکور، ادغام کامل این دو نظام را مشکل می‌دانند. اما در ادغام حداقلی آن که به حل مشکل پرداخت‌های دوسویه می‌انجامد پیشنهادهایی دارند که در این قسمت با توجه به رویکرد مختار به ارجحیت این نگاه نسبت به آن رویکردها خواهیم پرداخت. اما قبل از بررسی جایگاه خمس در نظام مالیاتی، فرض می‌کنیم که مواجهه ما در این بخش با اشخاص حقیقی مشمول مالیات بر درآمد مشاغل^۲ است که مالیات خود را در آخر تیرماه هر سال می‌پردازند.

۱- زکات را همچون خمس می‌توان وارد نظام مالیاتی کرد اما به خاطر سادگی بحث صرفاً خمس را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲- هر چند می‌توان گونه‌های مختلفی از مالیات‌های مستقیم (همچون مالیات بر حقوق، مستغلات، ارث و...) را در جمع با خمس در نظر گرفت اما در اینجا برای سادگی صرفاً مالیات بر درآمد مشاغل را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۷-۱- خمس به عنوان هزینه قابل قبول

یکی از مهم‌ترین پیشنهادها، پذیرش خمس به عنوان یکی از موارد مذکور در ماده ۱۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم و در قالب هزینه‌های قابل قبول است. به نظر می‌رسد این پیشنهاد چندان پذیرفتنی نباشد.

طبق ماده ۱۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم هزینه‌های قابل قبول عبارت است از هزینه‌هایی که در تحصیل درآمد مؤسسه در دوره مالی مربوط ایجاد می‌شود، در صورتی که خمس به مثابه مالیات بر درآمد مازاد است و مالیاتی شخص محور است. ثانیاً این نوع نگاه، همان نگاه موازی به دو نظام مالیاتی است. در واقع فرض کسانی که قرار است خمس را هزینه قابل قبول مالیاتی بدانند این است که اصل و حکم اولیه با نظام مالیات‌های حکومتی است و خمس با اینکه ربطی به نظام مالیاتی کشور ندارد، اما استثنائاً از درآمد مشمول مالیات کسر می‌شود. ثالثاً این نوع نگاه به خمس و معافیت آن به عنوان استثناء در میان هزینه‌های قابل قبول، علی‌رغم ردّ نگاهی که بتواند آن را اصل و حکم اولیه بداند، حاکی از فرعی بودن خمس و احکام مالی اسلام است. در واقع انجام فریضه مالی - عبادی در سرزمین اسلامی باید همراه با عزت و افتخار بوده و اصل بر تسهیل شرایط در بروز و اعلان آن باشد و نه به عنوان فرعی بر مالیات.

مشکلات مذکور برای نوع نگاهی که خمس را به عنوان معافیت مالیاتی مطرح می‌کند نیز جاری است.

۷-۲- خمس به عنوان پرداختی در یک نظام واحد مالیاتی

اما با توجه به نگاه واحدی که اصل را پرداخت وجوهات شرعی می‌داند و در صورت عدم کفاف، مالیات‌های حکومتی را به عنوان حکم ثانویه تجویز می‌کند، می‌توان پرداخت‌کننده خمس را پرداخت‌کننده اصلی دانست. در واقع کسی که وجوهات شرعی خود را پرداخت می‌کند، بنا به مبلغ پرداختی، سهم خود از تأمین هزینه‌های حکومت اسلامی که عزت شیعه است را پرداخت نموده است. حال در این وضعیت چرا باید فشار مالی اضافی ناشی از وضع مالیات‌های حکومتی تحت عنوان احکام ثانویه را که به جهت کمبود وجوهات شرعی حاصل از عدم پرداخت خمس و زکات عده‌ای پیش می‌آید، افراد متدین و مقید به پرداخت وجوهات جامعه اسلامی تحمل کنند.

۷-۲-۱- پرداختی خمس در قانون

در راستای وارد کردن خمس به عنوان پرداختی این نظام واحد مالیاتی، می‌توان ماده‌ای را به این مضمون در قانون مالیات‌های مستقیم الحاق کرد:

«مؤدی مشمول مالیات بر درآمد در زمان تحویل اظهارنامه مالیاتی خود به سازمان امور مالیاتی، مدارک مستند و مورد تأیید سازمان امور مالیاتی از پرداخت خمس در سال مالیاتی خود را ارائه می‌دهد. مالیات این فرد با احتساب خمس پرداخته شده در این سال مالیاتی محاسبه خواهد شد.»

با توجه به این توضیحات، هر فرد مسلمان مقید به پرداخت وجوهات شرعی، وجوهات خود را از طریقی که برای سازمان امور مالیاتی مستند باشد- برای مثال از طریق حساب بانکی- به مرجع تقلید خود منتقل می‌کند. به عبارت دیگر دفاتر هر یک از مراجع تقلید برای دریافت وجوهات شرعی مقلدین خود، یک شماره حساب بانکی را به سازمان امور مالیاتی معرفی می‌کنند (هر چند دریافت وجوهات شرعی تنها منحصر به این شماره حساب نیست). وجوهات شرعی‌ای که از طریق این حساب بانکی به طور مستقیم به دست مراجع عظام تقلید می‌رسد، مسلم است که مصرفش به عهده مرجع تقلید و در راهی مصرف می‌شود که وی صلاح می‌داند. اما از آن جایی که هدف اصلی از صرف این وجوهات، در راستای رفع فقر و افزایش عزت شیعه است و این اهداف نیز جدا از اهداف دولت اسلامی نیست می‌توان گفت در صورت موافقت تقنینی دولت، مجلس و شورای محترم نگهبان، خمس و زکات، بخشی از مالیات فرد محسوب خواهند شد اما از آن جایی که مصارف وجوهات شرعی موارد خاصی را شامل می‌شود، مسلم است که پرداخت مالیات کفاف از پرداخت خمس و زکات نمی‌دهد چرا که مالیات به عنوان حکم ثانویه بوده و جواز وضع آن در واقع به علت عدم کفاف وجوهات شرعی است.

۷-۲-۲- محاسبه خمس و مالیات

یکی از مشکلاتی که در جمع خمس و مالیات در یک نظام به وجود می‌آید، سؤال از نحوه محاسبه و تقدم هر یک نسبت به دیگری خواهد بود. در این بخش به تقدم هر یک نسبت به دیگری و همچنین محاسبه مالیات خواهیم پرداخت.

هر شخص، روزی از سال را به عنوان رأس سال خمسی خود تعیین می‌کند. در آغاز سال مالی جدید، پرداخت خمس درآمد مازاد بر مؤونه سال قبل واجب است. یعنی زمانی که درآمد مشخص می‌شود، یک پنجم مال باقیمانده از مؤونه مشمول خمس خواهد بود (شمیرانی و دیگران، ۱۳۹۰). از سوی دیگر

در این بخش فرض بر این است که با اشخاص حقیقی مشمول مالیات بر درآمد مشاغل^۱ مواجهیم که مالیات خود را در آخر تیرماه هر سال پرداخت می‌کنند. حال اگر زمان پرداخت مالیات این فرد ۳۱ تیرماه باشد نسبت به رأس سال خمسی این فرد، سه حالت را می‌توان تصور نمود:

در حالت اول اگر پرداخت خمس فرد قبل از تاریخ ۳۱ تیر باشد آنگاه فرد میزان T تومان را با قصد قربت تحت عنوان مبلغ خمس مازاد از مؤونه خود و از طریق حساب بانکی مورد تأیید سازمان امور مالیاتی پرداخت می‌کند و حال اگر در آخر تیر مؤظف به پرداخت مالیاتی به مبلغ k تومان باشد، می‌توان کل مبلغ پرداختی وی (T) را بر حسب خمس پرداختی در آن سال و با توجه به پوشش بخشی از سال مالیاتی به صورت زیر محاسبه کرد. اگر میزان پرداختی خمس در خلال این سال مالیاتی باشد می‌توان آن را به عنوان مالیات پرداختی محاسبه کرد.

اگر میزان خمس پرداختی بیشتر از مالیات بر درآمد فرد باشد دیگر نیاز نیست مبلغی افزون بر آن به سازمان امور مالیاتی پرداخت شود، اما اگر میزان خمس کمتر از مبلغ مالیات وی باشد، میزان تفاضل آن‌ها باید تحت عنوان مالیات به سازمان امور مالیاتی پرداخت شود.

$$T = \begin{cases} 0, & k \geq t \\ t - k, & k < t \end{cases}$$

در حالت دوم اگر میزان پرداختی خمس بعد از تاریخ ۳۱ تیر ماه صورت گیرد این پرداختی با مالیات سال بعد محاسبه خواهد شد و قاعدتاً ربطی به پرداختی مالیات وی در این سال نخواهد داشت. در حالت سوم اگر زمان پرداخت خمس و مالیات شخص در آخر تیر ماه و در یک روز باشد، از آن جایی که خمس واجب مالی تحت حکم اولیه است، ابتدا آن را استخراج کرده و سپس به مابقی آن تحت عنوان مالیات اقدام خواهد شد.

۷-۳- پرداخت واحد (یک سویه) بدون مواجهه با مشکلات ساختاری

همان‌طور که در بخش‌های قبل مورد بررسی قرار گرفت یکی از مشکلات ساختاری این نوع نگاه لطمه دیدن استقلال حوزه‌های علمیه است. اما در گام اول از پیاده‌سازی وحدت دو نظام مالیاتی دیدیم که وجوهات جمع‌آوری شده نه توسط دولت و نه از طریق آن بلکه برای شناسایی خمس و از طریق

۱- هر چند می‌توان گونه‌های مختلفی از مالیات‌های مستقیم (همچون مالیات بر حقوق، مستغلات، ارث و...) را در جمع با خمس در نظر گرفت، اما در اینجا برای سادگی و به عنوان گام ابتدایی، صرفاً مالیات بر درآمد مشاغل را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

حساب بانکی مستقیماً به دست مرجع تقلید می‌رسد. بنابراین در اینجا مشکلی برای استقلال حوزه‌ها پیش نمی‌آید.

از سوی دیگر کسانی ممکن است الحاق این قانون را باعث کاهش مالیات ستانده شده توسط دولت بدانند. اما دولت می‌تواند با افزایش پایه مالیات‌های حکومتی و نرخ مالیاتی، کاهش مالیات خود را جبران کند. مهم این است که مؤدیان مسلمان مقید به پرداخت وجوهات، فشار مضاعف مالی را متحمل نشوند والا اگر این نرخ برای همه باشد و در ضمن خمس به مثابه مالیات، ستانده شود، این مسئله مشکلی را ایجاد نمی‌کند. به عبارت دیگر اگر همه افراد خمس و زکات خود را پرداخت می‌کردند شاید نیازی به اخذ مالیات حکومتی نبود اما حال چرا باید فشار مالی اضافی ناشی از وضع مالیات‌های حکومتی تحت عنوان احکام ثانویه را که به جهت کمبود وجوهات شرعی حاصل از عدم پرداخت خمس و زکات عده‌ای پیش می‌آید، افراد متدین و مقید به پرداخت وجوهات جامعه اسلامی تحمل کنند.

۷-۴- مزایای پرداخت واحد (یک سویه)

یکی از مهم‌ترین مزایای الحاق این قانون با رویکرد وحدت بخشیدن به نظام مالیاتی، کمک به مؤدیان مذهبی و مقید به پرداخت وجوهات شرعی است. با نگاهی به تاریخ اسلام می‌توان ادعا کرد که عمل ائمه معصوم (ع) در دوران عدم بسط ید نیز بر این سیره بوده تا در زمانی که شیعیان تحت فشار اقتصادی و سیاسی بیشتر بودند بخشی از پرداختی‌های واجب آن‌ها همچون خمس را بر آنان ببخشند. چرا که معمولاً شیعه مؤظف به پرداخت وجوهاتی طبق قوانین و شرایع خلفای اموی و عباسی بود و اگر قرار بود تا وجوهاتی را نیز به ائمه (ع) پرداخت کند، فشار مالی زیادی را علاوه بر فشار سیاسی و اقتصادی باید متحمل می‌شد. حال اگر زمانی شیعیان با گشایشی روبرو می‌شدند پرداخت وجوهات شرعی را داشتند تا ائمه (ع) آن را برای مصارف خاص خود و کمک به دیگر شیعیان استفاده کنند. حال که ما در حکومتی اسلامی زندگی می‌کنیم چرا باید مؤمنان و شیعیان مقید به پرداخت وجوهات شرعی تحت فشار مالی مضاعف بوده و به واسطه این فشار مالی، توزیع درآمد علیه این افراد رقم بخورد؟

۷-۴-۱- افزایش پرداخت وجوهات شرعی (افرادى که در میانه قرار دارند)

افرادی که برای فرار از بار مالی و اقتصادی حاصل از این پرداخت‌های دوسویه ترجیح می‌دهند به جای تحمل جریمه‌ها و یافتن راه‌های فرار از مالیات، راه به ظاهر ساده‌تر یعنی امساک از پرداخت وجوهات شرعی را برگزینند، با توجه به تغییر رویکرد به وجوهات شرعی و همچنین با از بین بردن این

تبعیض ظاهری، این گزینه را انتخاب می‌کنند. در نتیجه پرداخت وجوهات شرعی برای کسانی که قبلاً پرداخت این دو مبلغ با هم را بیشتر می‌دیدند و اکنون هیچ فرقی بین پرداخت مالیات و پرداخت وجوهات شرعی را نمی‌بینند، اولویت پیدا می‌کند.

۷-۴-۲- کارایی بیشتر (حساسیت مراجع تقلید در خرج وجوهات شرعی)

وجوهاتی که به دست مراجع تقلید می‌رسد صرف هزینه‌هایی چون هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری حوزه‌های علمیه می‌شود. اگر اهدافی چون رفع فقر را نیز به این مجموعه اهداف اضافه کنیم، مشاهده می‌کنیم که همه این اهداف، اهدافی مشترک با اهداف فرهنگی و اقتصادی دولت اسلامی است بنابراین کسانی که خمس و زکات خود را پرداخته‌اند در واقع سهم خود در پوشش بخشی از اهداف دولت اسلامی را داده‌اند. علاوه بر این، مصرف همراه با حساسیت مراجع از این اموال خود موضوعیت دارد چرا که ممکن است دولت بخشی از مالیات ستانده شده را برای هزینه‌های فرهنگی غیر هم‌سو با اهداف اسلامی استفاده کند ولی مراقبت مراجع بر مصرف درست این وجوهات، افزایش آن‌ها و کاهش مالیات را مشکل بزرگی نمی‌سازد.

۸- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از معضلات و مشکلات موجود در نظام مالیات کنونی که نتیجه اتخاذ نگاهی موازی به نظام مالیاتی است، برخورد دوسویه با افراد متدین و مذهبی است. برای مثال فردی مذهبی که مشمول مالیات بر درآمد است فارغ از پرداخت وجوهات شرعی باید مالیات خود را نیز بپردازد. در حالی که فرد غیرمقید به پرداخت وجوهات شرعی، تنها مالیات را پرداخت کرده و متحمل بار مالی زیادی نمی‌شود. درحالی‌که انتظار می‌رود در یک نظام مالیاتی مبتنی بر اصول اسلامی، افراد متدین و مذهبی کمترین فشار مالی را متحمل شوند.

به نظر می‌رسد حل مشکلات نظام مالیاتی کنونی از جمله پرداخت‌های دوسویه، مستلزم پیاده‌سازی نظام مالیاتی مطلوب در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی است و در این جهت باید تمام مشکلات فقهی، اجرایی، ساختاری و تقنینی حل گردد اما این امر به آن معنی نیست که تا حل کامل این مشکلات باید صبر کرد بلکه باید به طراحی و تعبیه نظام مالیاتی اولیه اما نزدیک به ایده‌آل پرداخت. این نظام می‌تواند با تغییر رویکرد، موجبات اصلاحات بعدی را با ایجاد فضایی جدید در راستای رسیدن به یک نظام مالیاتی ایده‌آل فراهم آورد.

با توجه به این نکته، گام اول از پیاده‌سازی نظام واحد مالیاتی، همان تغییر نگاه به نظام مالیاتی خواهد بود؛ اگر تغییر رویکرد نظام مالیاتی از اینکه مالیات‌های حکومتی حکم اولیه تلقی شوند به سمت کمک گرفتن از وجوهات شرعی به عنوان حکم اولیه حرکت کند می‌توان مشکل پرداخت‌های دوسویه را با الحاق چند قانون و همگرا کردن سایر قوانین مالیاتی حل کرد. اما با توجه به نگاه واحدی که اصل را پرداخت وجوهات شرعی می‌داند و در صورت عدم کفاف، مالیات‌های حکومتی را به عنوان حکم ثانویه تجویز می‌کند، می‌توان پرداخت‌کننده خمس را پرداخت‌کننده اصلی دانست. در واقع کسی که وجوهات شرعی خود را پرداخت می‌کند، بنا به مبلغ پرداختی، سهم خود از تأمین هزینه‌های حکومت اسلامی که عزت شیعه است را پرداخت نموده است. حال در این وضعیت چرا باید فشار مالی اضافی ناشی از وضع مالیات‌های حکومتی تحت عنوان احکام ثانویه را که به جهت کمبود وجوهات شرعی حاصل از عدم پرداخت خمس و زکات عده‌ای پیش می‌آید، افراد متدین و مقید به پرداخت وجوهات جامعه اسلامی تحمل کنند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- قانون مالیات‌های مستقیم
- ۴- جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ۵۶ جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ه ق.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، مالیات‌های حکومتی از دیدگاه فقه، مجموعه مقالات نظام مالی اسلام، یک جلد، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، اول.
- ۶- حلّی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ ه ق)، تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه)، ۱۴ جلد، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم - ایران.
- ۷- خمینی، سید روح‌الله موسوی، کتاب البیع (۱۴۲۱ ه ق)، ۵ جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران.
- ۸- خمینی، سید روح‌الله موسوی، ولایت فقیه (۱۴۲۳ ه ق)، در یک جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران - ایران، دوازدهم.
- ۹- خمینی، سید روح‌الله موسوی، صحیفه امام، در ۲۱ جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران - ایران، بی‌تا.
- ۱۰- درخشان، مسعود (۱۳۷۷)، ملاحظاتی در مفاهیم و نقش مالیات در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف، تهران، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- ۱۱- رسولی شمیرانی، رضا، فرشته حاج محمدی و ابوالفضل ظهوریان (۱۳۹۰)، ارتباط بین مالیات‌های متعارف و مالیات‌های دینی با تأکید بر وجوه مشترک، مجموعه مقالات سومین همایش مالیات‌های اسلامی، ص ۳۶۸-۳۴۹.
- ۱۲- عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه ق)، وسائل الشیعه، ۳۰ جلد، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم - ایران، اول.
- ۱۳- علاسوند، فریبا (۱۳۹۰ ه ش)، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ضرورت‌ها و موانع، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، اول.

- ۱۴- کیا‌الحسینی، سیدضیاء‌الدین (۱۳۹۰)، ملاحظات پیاده سازی مالیات‌های اسلامی، پژوهشنامه مالیات، سازمان امور مالیاتی، دوره جدید، سال نوزدهم، شماره یازدهم، پاییز، ص ۱۷۱-۱۴۱.
- ۱۵- گیلک حکیم آبادی، محمدتقی (۱۳۸۷)، مقایسه وجوه شرعی (زکات و خمس) با مالیات، مجموعه مقالات همایش مبانی فقهی و اقتصادی مالیات‌های اسلامی، قم، سازمان انتشارات دانشگاه مفید، ص ۱۷۷-۱۵۶.
- ۱۶- مشکینی، علی (۱۳۸۴)، اصطلاحات الاصول، قم، حکمت.
- ۱۷- معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹)، ولایت در خمس، مجموعه مقالات نظام مالی اسلام، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۸- مغربی، نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵ ه ق)، دعائم الإسلام، ۲ جلد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ۱۹- منتظری، حسین علی (۱۴۰۹ ه ق)، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابو ال، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۸ جلد، قم، مؤسسه کیهان.
- ۲۰- مؤمن، محمد (۱۳۷۹)، رابطه خمس و زکات و مالیات‌های حکومتی، مجموعه مقالات نظام مالی اسلام، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۱- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ه ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۲۲- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی (۱۴۰۹ ه ق)، ۲ جلد، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۲۳- یوسفی، احمدعلی و دیگران (۱۳۷۹)، نظام مالی اسلام، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.